



# روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران

شامل کلیه قوانین مصوبه و مقررات - گزارش کمیسیونها - صورت مشروح مذاكرات مجلس - اخبار مجلس - انتصابات - آگهی های رسمی و قانونی

شماره ۳۱۱۷

شنبه ۲۹ مهر ماه ۱۳۳۴

سال یازدهم

شماره مسلسل ۱۶۰

دوره هجدهم مجلس شورای ملی

## مذاكرات مجلس شورای ملی

جلسه ۱۶۰

صورت مشروح مذاكرات مجلس روز یکشنبه

۲۳ مهر ماه ۱۳۳۴

فهرست مطالب :

- ۱) قرائت اسامی غائبین جلسه قبل
  - ۲) بیانات قبل از دستور آقایان: دکتر بینا - خرازی - حائریزاده
  - ۳) تقدیم يك فقره سؤال بوسیله آقای دکتر جزایری
  - ۴) اخذ رأی نسبت بپیشنهاد آقای صدرزاده دائر بطرح لایحه ترمیم حقوق آموزگاران وعدم تصویب آن
  - ۵) مذاکره در گزارش کمیسیون قوانین دارائی راجع بفروش خالصجات
  - ۱۰) تعیین موقع دستور جلسه بعد - ختم جلسه
- مجلس یکساعت و چهل و پنج دقیقه پیش از ظهر بریاست آقای اردلان (نایب رئیس) تشکیل گردید



**نایب رئیس** - بواسطه تعطیل دیروز صورت مجلس تهیه نشده در جلسه آینده تهیه و قرائت خواهد شد صورت غائبین جلسه قبل قرائت میشود (شرح زیر قرائت شد)

غائبین با اجازه آقایان: سنجلی ارباب، خاکباز، امید سالار، رضا افشار صدقی، اسکندری، تجدید، غضنفری، دکتر آهی، مکرّم، صرافزاده، محمود ذوالفقاری، مهندس جفرودی، احمد فرامرزی، بوربور، عبدالحمید بختیار، درخش، نصیری، عرب شیبانی، کاشانی، دولتشاهی، سرمد، امامی خوئی، شوشتی، اورنگ.

غائبین بی اجازه: آقایان: دکتر حمزوی، دکتر مشیر فاطمی، کی زاده، بزرگ ابراهیمی، بیات ماکو، سعیدی، یارافشار، سالاربهزادی، شفیعی، معینزاده، اریه، مهندس اردبیلی، قوامی، پورسرتیب، اسفندیاری، رضائی، دیر آمدگان و زود رفتگان با اجازه آقایان افخمی، مسعودی، عبدالرحمن فرامرزی، نراقی، حائریزاده، دولت آبادی، دکتر سعید حکمت، نقه الاسلامی، موسوی، قنات آبادی، مهندس شاهرخشاهی، سلطانی، خزینه علم، دکتر سید امامی، دیر آمدگان و زود رفتگان بی اجازه.

آقایان: صادق بوشهری، حشمتی، دکتر افشار، بوداغیان، محمودی، پیراسته

**نایب رئیس** - آقای دکتر افشار بفرمائید

**دکتر افشار** - بنده قبلا اجازه گرفته بودم از مقام ریاست

**نایب رئیس** - اصلاح میشود آقای نورالدین امامی بفرمائید

**نورالدین امامی** - آقای بیات ماکو مریض بوده اند و بوسیله بنده اطلاع هم داده اند استدعا میکنم دستور بفرمائید غائب با اجازه محسوب شوند

**نایب رئیس** - اصلاح میشود

**۳- بیانات قبل از دستور - آقایان: دکتر بینا - خرازی - حائریزاده**

**نایب رئیس** - نطق قبل از دستور شروع میشود. آقای دکتر بینا

**دکتر بینا** - برای شروع عرایض خود جمله ای بهتر و رساتر و روشن تر از بیانات اعلیحضرت همایونی که در خطابه افتتاحیه ششمین دوره مجلس سنا فرمودند پیدانکردم.

اعلیحضرت فرمودند: ما انتظار داریم در تقویت بنیه دفاعی کشور که ضامن استقلال و وسیله کمک بحفظ صلح جهانست تدابیر لازم اتخاذ گشته و این امر بر سایر امور باید مقدم باشد تقویت بنیه دفاعی کشور ما هیچ تعبیر جنبه تعرض نخواهد داشت چنانکه ما نیز هرگز تجهیزات و اقداماتی را که دیگران برای تقویت دفاعی خود بعمل آورده اند موجب نگرانی فرض نکرده ایم جریانات گذشته ثابت کرد بیطرفی زورمندان را نه تنها از زورگویی و درازدستی باز نمیدارد بلکه آنها را بقر و غلبه بر میانگیزاند.

**آقایان!**

بیانات اعلیحضرت همایونی بعدی روشن و صریح و مفید و قاطع در سیاست

ملی ما بود که مایه تحسین و تعجب سیاستمداران جهان گردید دولت ایران در دنباله این فرمایشات پس از مطالعات زیاد که میتوان گفت نتیجه چندین سال مذاقه و بررسی بود بالاخره تفکیک مملکت را بایک روشن بینی واقعی یکسر کرد.

این فرمایشات بقدری مؤثر بود که حتی قبل از ارسال نامه نخست وزیر ایران بیفداد افراد مملکت از اتخاذ چنین تصمیم قاطع و تعقیب سیاست ثابت خرسند و خوشحال بنظر میرسیدند.

آقایان چنانکه شخص اول مملکت اشاره فرمودند با حفظ مناسبات دوستی با دول همجوار و بخصوص با قبول دعوت دولت شوروی ملت و دولت ایران نشان داد که هیچگونه اقدامی بر خلاف منشور ملل متحد انجام ندهد و نخواهد داد بنا بر این از سال یادداشت از طرف دولت نیرومندی مانند دولت شوروی بدوات ایران مایه بسی تعجب است بنده میبیرسم کدام دولتی است در دنیا فکر کند که ممکن است از طرف دولتی مانند ایران احتمالا خطری متوجه دولت مقتدر شوروی شود باید اذعان نمود که اینها بازی گرک و میباش است که ما را همیشه اسیر سرپیچه قهار خود ساخته است.

دولت شوروی باید بداند که ما برای يك هدف و ایده آل بزرگی قدم برداشته ایم ما آزادی میخواستیم آزادی عقیده و مسلک و مذهب میخواهیم سنت ما مذهب ما این روش را ایجاب میکند ما نمیتوانیم عقایدی را که برخلاف سنت ما و برخلاف معتقدات ما است قبول نماییم تصدیق میفرمایند موضوع الحاق ایران بییمان دفاعی بقدری مهم و در سر نوشت مملکت ما موثر است که راجع بآن در تمام ممالک جهان بحث مفصلی میشود بنابراین جای آنرا دارد که در کلیه محافل سیاسی و مجلسین ایران در اطراف این مسئله مهم سیاسی بحثهای مفصلی بعمل بیاید

تأمرد ملت ایران بجرایانات واقعی سیاستهای بین المللی واقف شده و باوقوف

این صورت مشروح مذاكرات یکصد و شصتین جلسه از دوره هجدهم قانونگذاری

اداره تند نویسی و تحریر صورت مجلس



باین جریان از اقدامات دولت خودبیشبینی نمانند. برای اینکه مردم ایران از عقاید مختلفی که در این باره اظهار میشود اطلاع کافی بدست بیاورند بنده بیک اظهارات مختلف را که در این چند روزه شنیده ام تجزیه و تحلیل کرده و تا حدی که وقت اجازه دهد و آقایان موافقت فرمایند جواب هر يك را خواهم داد:

بعقیده اکثریت مردم ایران الحاق بییمان خیلی دیر شده دلیل این عده اینست که آقایان معتقدند منافعی که ممکن است از عقد چنین بییمانی عاید دولت امضاء کننده گردد قبل از جنگ و بعد از جنگ است و اگر ما زود تر باین بییمان ملحق میشدیم بنیه دفاعی ارتش ما وضع اقتصادی و عمرانی ما بسرعت بیشتری پیشرفت میکرد در اینجا بنده حق را باین عده میدهم و میگویم جلو ضرر را زهرجا بگیریم منفعت است. لیدر اقلیت جناب آقای حائریزاده پس از ایراد بیانات مفصلی که روز سه شنبه ۱۸ مهر ماه بعنوان نطق قبل از دستور فرمودند چند دقیقه ای در اطراف نظریات خود با بنده بحث فرمودند پس از آنکه بنده ضمن توضیح مختصری خدمتشان عرض کردم که فکر اتحاد اسلام جناب عالی را در واقع دولت تعقیب میکند و ملل ایران و ترکیه و عراق و پاکستان از ملل قوی دولت های اسلامی بشمار میروند و هیچ مانع و رادعی در میان نیست که سایر دول اسلامی نیز داخل این اتحادیه شوند فرمودند جناب انگلیس در این میان چکار میکند عرض کردم کدام دولت اسلامی را سراغ دارند که اتحادیه اسلامی را تشکیل دهد و با دولت انگلیس در سیاست مستقیم یا غیر مستقیم اتفاق نظر نداشته باشد مگر مصر و سوریه و لبنان و عمان و عربستان سعودی سیاستشان غیر از سیاست انگلستان است بعقیده بنده میان ملل اسلامی دولت ترکیه و ایران در تعیین مقدرات خود و اتخاذ یک شیسی سیاسی همواره آزادی عمل داشته و در اندوخته و اگر قرار شود بالفرض ما بوسیله لبنان و عمان وارد اتحادیه ای بشویم در واقع از دست دوم سیاست انگلستان را قبول کردیم و باید تصدیق کرد که در دنیای کنونی جناب انگلیس و آمریکا و فرانسه و غیره و غیره وجود ندارد بلکه در دنیای امروز و عقیده و دو سیاست بیشتر موجود نیست و ملل دنیا باید از اساس فکری یکی از این دو بلوک تبعیت کنند و باید اذعان نمود که قبول عقیده یکی از دو طرف دلیل این نیست که خدای نکرده وضع خصوصاً آمیز نیست بطرف دیگر اتخاذ شود. فکر اتحاد اسلام جناب آقای حائری زاده بسیار خوبست و بطوریکه بنده اطلاع دارم اغلب ملل اسلامی اکنون ناظر رویه سیاسی دولت ایران هستند و با علاقه و اشتیاق کامل مایلند وارد همین

بییمان شوند در اینصورت ایران که مبتکر چنین فکری است در واقع موجود مؤسس يك اتحادیه بزرگ اسلامی نیز خواهد بود.

بعضی ها در همین حال که کمال رضایت و موافقت را با اقدامات دولت دارند میبرسند باین قدمی که دولت ایران برداشته بماچه خواهند داد؟ در اینجا حکایتی از خاقان مغفور بیاد آمد میگویند از امریکاییب- زمینی آورده بودند و بفتح عملی شاه تعریف کرده بودند که این نبات مواد غذایی بسیار خوبی دارد دستور فرمایند کشت آنرا در مملکت اشاعه دهند فتح عملی شاه سؤال کرده بود اگر مادستور دهیم این نبات را در ممالک مجروسه بکارند بماچه خواهند داد؟ آقایان مگر دفاع از مرز و بوم و میهن و قومیت و نژاد و شرافت و حیثیت و ناموس قیمت دارد؟ دفاع از موجودیت و استقلال و بقا که قابل تقویم نیست تا مورد بیع و شری قرار گیرد.

این آقایان باید بدانند که ارزش روحی و اقدام اخیر دولت برای ملت ایران و ارزش بین المللی آن برای جهان آزاد بحدی است که نمیتوان آن را بحساب آورد. دولت ایران با این عمل در واقع تمام عمایات خاورمیانه و بخصوص اینهمه اقداماتی را که در ترکیه چنان لحاظ سیاسی و نظامی و چه از لحاظ کمکهای فنی و اقتصادی بعمل آمده بود تکمیل کرد بنابراین این اقدام دولت ایران هم از نظر بین المللی و هم از نظر ملی قابل خرید و فروش نیست البته باید تصدیق کرد وقتی کشور ایران در جر که دول امضاء کننده بییمان دفاعی در آید و حسن- نیت خود را نشان داد و با صمیمیت در دفاع از هدف مشترک قدم برداشت بسیار طبیعی است که منین نیز شرافتمندانه رفتار کرده و احتیاجات ضروری ملل عضو بییمان را بر طرف سازند در این مورد باز هم بی مناسبت نیست حکایتی از روزولت رئیس جمهور فقید ممالک متحده آمریکا در فرانسه که از دوستان صمیمی رئیس جمهور فقید بود برای اخذ تعلیمات بواشنگتن آمده بود در یکی از ملاقاتهای خود با رئیس جمهور و از قشنگی و طراوت و عظمت کاخ سفید ریاست جمهوری صحبت بییمان آورد رئیس جمهور نیز با تأیید بیانات سفیر چنین جواب داد باین اظهارات و نظراتی که شما همواره در اجاع سیاست و اوضاع بین المللی و مشکلاتی که دولت آلمان در اروپا بوجود آورده و در گزارشهای خود متذکر شده باین فکر بخاطر رسید اگر در همسایگی قریب از حریق مدعی رخ دهد و خاموش نشود قطعاً ما را خواهد سوزانید و ما هم که دارای وسایل اطفا فیه بسیار قوی هستیم آیا باید صبر کنیم حریق بغانه ما سرایت کند تا اقدام بغاموشی آن نمانیم با جدیت کنیم قبل از

آنکه آتش بقصر سرایت کند در همان کانون اولیه خاموش سازیم؟ آقایان من هم اکنون قطع دارم که نظر رئیس جمهور فقید مر کوز ذهن اولیای امور کشور های متحده آمریکا و انگلستان بوده و بوقین دارم که آنان برای جلوگیری از سرایت آتش منتهای سعی و کوشش و کمک و همراهی را از لحاظ مادی و معنوی در بالا بردن سطح زندگی و فرهنگ مردم ایران و راحتی آنان بعمل خواهند آورد.

برگردیم سر مطلب بعضی ایراد میکنند و با سؤال میکنند فلان خط دفاعی چرا از فلان نقطه یا فلان نقطه میگذرد

بعقیده بنده اولاً این خطوط دفاعی لوفرض وجود هم داشته باشد خطوطی است که امضاء کنندگان بییمان برای دفاع از يك هدف مشترك و يك مسئله بین المللی قبل از شرکت ایران پیش خود قبول کرده اند یعنی اگر آنکارا - بغداد - کراچی يك بییمان تدافعی متعقد کرده اند نمیتواند در مورد شکافی که در طول جبهه آنان قرار دارد مطالعه نکنند و درباره آن تصمیمی اتخاذ نمایند باصطلاح اگر چنین خطی هم وجود داشته باشد خطی است در مورد مملکتی که متفق آنان نبوده و در موقع لزوم شاید بجزیر و از طریق اشغال برای تصرف و دفاع این خطوط وارد خاک مامیشند و از این خط دفاعی میگذرند ولی وقتی ما عضو بییمان تدافعی شدیم در آن تصمیمات نیز تجدید نظر بعمل میآید و با نظر متخصصین نظامی و افسران ستاد ما مطالعات مجددی بعمل میآید بالاتر از همه اینها باید گفت که قدرت نظامی و دفاعی يك مملکت بستگی به عوامل و امکانات و مقدرات خود آن کشور دارد و بتدریج که قوای دفاعی کشوری تقویت میشود دفاع از تمامیت مملکت نیز آسانتر و قوی تر و عملی تر میگردد. بعضی ها می پرسند که ما چرا در مرحله اول یادوم وارد این بییمان نشدیم و خوب نیست که ما در مرحله چهارم عضویت این اتحادیه را قبول کنیم باید گفت در این قبیل مسائل اول و دوم وجود ندارد بلکه امکانات سیاسی و اوضاع بین المللی و هزاران عامل دیگر در این موارد مؤثر است که مطلقاً ندارد و اهمیت هر دولت امضاء کننده بستگی بقدرت و ارزش قوای مادی و معنوی آن مملکت دارد و هیچکس نمیتواند ادعا کند که مملکتی با قدرت نظامی بییش از آنکارا است و بقدرت نظامی مساوی آنکارا است و مالی آنکارا بالاتر از کراچی است ولی چنانکه ملاحظه میفرمایند نامه دولت ایران اول به بغداد فرستاده میشود و رونوشت آن بآنکارا و کراچی ارسال میگردد و این عمل مطلقاً دلالت بر این نمی کند که اهمیت پاکستان و ترکیه کمتر از

اهمیت عراق است و آنکه میسر فردا ممکن است کشور های متحده آمریکا نیز عضویت این بییمان را قبول کنند آیا آنوقت باید گفت دولت آمریکا ضعیف تر از دولت انگلستان است؟

بشرح این نکات تا حدی عقاید و نظرات مختلف را درباره بییمان بیان کردیم در نحوه انعقاد بییمان نباید این حقیقت را کتمان کرد که ما مرهون شهادت سیاسی شخص اول مملکت هستیم و الا بنده جسارت نمیکنم اگر بگویم بعضی از رجال ما حکم شیر علم را دارند و این قدر جسورند که حتی از سایه خود هم رمی میکنند این شهادت سیاسی شاهنشاه همواره در مراحل حساس مختلف دیده شده بخصوص در دو مورد زیاد جلب توجه میکند یکی در مورد آذربایجان دیگری در مورد همین بییمان. تاریخ چندین ساله سلطنت اعلیحضرت همایونی نشان داده که هر وقت ملت ایران مواجه بایک مشکل و مسئله مهم و غامضی بوده دخالت و راهنمایی مبدران و هم ایشان مملکت را از خطر حتمی نجات داده است.

**نایب رئیس** - وقت جناب عالی تمام شد (بعضی از نمایندگان - وقت میدهم) چقدر وقت میخواهید

**دکتر ریسا** - دقیقه (بعضی از نمایندگان بکر می) **رئیس** - خودشان بهتر میدانند آقایان که با ۱۰ دقیقه وقت اضافی بایشان موافقت قیام کنند (ا کثر برخاستند) تصویب شد بفرمائید

**دکتر ریسا** - اکنون که عقاید مختلف را در مورد انعقاد بییمان مطالعه کردیم قدری هم در مرحله اجرای قرار داد صحبت کنیم.

بعقیده بنده مرحله اجرا شاید مهمتر از مرحله عقد بییمان است زیرا در اینجا دیگر شخصیت نمایندگان دولت است که میتوانند در کنفرانسهای سیاسی بین المللی نشان بدهند که ایران چه نقشی را بازی کرده و چه ضروریات و احتیاجات و نواقص دارد که باید برای رفع آن ها کمک شود.

در نظر داشت که در ملاقاتهای سیاسی و کنفرانسهایی که برای اجرای وحدت عمل تشکیل می شود از اشخاص لایق و فهمیده و مجرب استفاده کرد و باضعف و ناتوانی که در کادر وزارت خارجه ما حکم فرماست باید تعارف و کار بردن و غیره را کنار گذاشت و از رشیدترین و فهمیده ترین و لایق ترین افراد مملکت انتخاب نمود و بیدان عمل اعزام داشت برای آنکه ما از این قرارداد بهره حسابی ببریم را جوینده و نابود می کنند بجای رفتار سفت و خشنی که بایک مشت جوانان بیچاره فریب خورده میکنند باید باقیبیل اشخاص را تحت تعقیب قرارداد و الا این جوانان بیچاره و عوام فریبی و تجمع و تذبذب خانه داد و قدمهای اساسی برای بهبود وضع مردم ایران برداشت زیرا بعقیده بنده بهمان

اندازه که تقویت قوای ارتش برای دفاع ضروریست بهمان نسبت بلکه بیشتر باید در تأمین رفاه و آسودگی و آسایش مردم کوشید و راحتی مردم را بعد کمال رسانید تا مردم نیز در اجرای روح این بییمان که دفاع از تمامیت و حیثیت و شرافت ملی است با جان و دل کمک و فداکاری کنند.

دولتها باید کاری کنند و سیاستی را تعقیب نمایند که ایمان مردم تقویت بشود و اطمینان بوعده های دولتها داشته باشند زیرا تا بحال آنچه که از دولتهای چپ و راست این مملکت دیده اند متأسفانه جز صدمه و زیان بهره ای نبرده اند بنابر این تقاضا دارم اکنون که اعلیحضرت همایونی در سیاستهای مهم و کلیدی مملکت اظهار نظر فرموده و دولت را راهنمایی میفرمایند و امر مؤکد صادر فرمایند مجریان مردم بهوش از بییش مصر و کوشا باشند همچنانکه دولت برای تأمین رفاه و آسایش مردم باید جدیت بخرج دهد ملازم است در وضع تشکیلات اجتماعی مملکت نیز قدم های اساسی بردارد. بازها از بیست همین تریبون عرض کرده ام در دنیا مشروطی حزب وجود ندارد حزب است که افراد خود را برای جنبه های مختلف سیاسی مملکت تربیت کرده و با برنامه های مترقی خود بوقع وارد میدان عمل می شود مصادر امور و رجال اجتماعی ما برای تحکیم بیانی مشروطیت ایران باید در رفع این نقیصه سعی کنند وقتی مردم خود واقف بوظایف خود شدند برای دفاع از کشور هم آماده تر میگردد من در گذشته ها زیاد نمیخواهم بحث کنم و غایبتهای اشخاص را بگویم آنکه گذشته گذشته است و دولت خود میدانند که آیا باید درباره مقدمین بر علیه استقلال مملکت اقدام کنند یا چنانکه باز ما شاهد شده برای نازمست آنان را از تبعید جنوب بخراسان انتقال و از خراسان بتهران عودت دهد تا برای استفاده از افکار آنان روزی هم از کابینه سرد بیاورند و سیاست مملکت را درست گیرند من در این موضوعها کاری ندارم ولی نظری که دارم تا عملی نشود وضع مملکت هیچگاه سرسامانی پیدا نخواهد کرد و آن اینست که این لباس عوض کردن های سیاسی این تذبذب های مسموم کننده و کشنده این موافقین منافعی که در روز در حاشیه یک سیاست بودند و امروز در متن سیاست خود را جادادادند در مملکت باید موقوف و ریشه کن شود اینها مثل کرمهایی میمانند که همین قرارداد و هزاران قرارداد مثل این را جوینده و نابود می کنند بجای رفتار سفت و خشنی که بایک مشت جوانان بیچاره فریب خورده میکنند باید باقیبیل اشخاص را تحت تعقیب قرارداد و الا این جوانان بیچاره و عوام فریبی و تجمع و تذبذب خانه داد و قدمهای اساسی برای بهبود وضع مردم ایران برداشت زیرا بعقیده بنده بهمان

نفت بازی بسته بشود ولی خاطر آقایان محترم مستحضر است صورت جلسات هست چه در کمیسیون اختصاصی نفت و چه در جلسه عمومی مخالفین و موافقین یا نمایندگان که صحبت میکردند همه صحبت از این بود که ما درآمد نفت را اختصاص میدهیم برای کارهای تولیدی و عمرانی و آبادی و یکی از موضوعاتی که آقای دکتر امینی وعده کردند و بنده اتخاذ سند کردم طبق صورت جلسه موضوع ارز است موضوع ارز اساس مبادلات تجارتنی و اقتصادی است هر کشور که توانست پول خودش را محکم نگهدارد و نگذارد که این پول تنزل پیدا کند و در دنیا ارزش داشته باشد آن مملکت اوضاع اقتصادی اش از همه جا بهتر است بنده بیستم گروه استرلینگ یادار کار ندارم ملاحظه بفرمائید.

**سویس يك** کشوری است که چهار دهان جنگ وجه بعد از جنگ بعقیده بنده یکمده زیادی از اشخاصیکه بهره اقتصادی دارند فرائک سویس محکمتر از دلار آمریکا و یا لیره انگلستان یا هر دو شان بوده است بما اینجا وعده دادند که نسبت بخرچ ارز ما هم جنگ بین المللی دوم و قتیکه معقین بی ریشه جنگ میکشند بهشان ثابت شد که این جنگ اقتصادی بوده و قضیه کشور کشائی تهیه مستعمرات و اینها برای این بوده که محصولات و مصنوعات خودشان را زیادت بفروشند و در دنیا از حیث مقام اقتصادی برتری پیدا کنند و مملکت و ملتشان هم مرفه زندگی نمایند

بنده جنگ بین المللی اول را کار ندارم ولی این جنگ بین المللی دوم که بعضی ها تصور کردند که امریکائیها برای خاطر انگلستان یا فرانسه یا دلان دانتریک یا خود لهستان آمدند و وارد جنگ شدند در صورتی که اینطور نبود امریکائیها سه بازار عمده در دنیا داشتند که یکی امریکای جنوبی که متعلق بخودشان بود و کسی بآنجا هادست اندازی دست درازی پیدا نمیکرد و یکی چین بود که از بیانباز دستشان گرفته بودند یکی هم اروپا بود که آلمانها از دستشان گرفته بودند برای اینکه این بازارها را بدست بیاورند آمدند با تمام قوا کمک کردند بمفقی در جنگ با محورها و قتیکه ما این اصل را قبول کردیم که اساس جنگهای بین المللی روی امور اقتصادی است چرا در کشور ما باین مسئله هم توجه نمیکنیم و هر چه صحبت میشود از صحبت و رادیو پرورژه و مصاحبه باصطلاح پانین تر نیاید و کارهای عملی نمیکنند ملاحظه بفرمائید ما آمدیم قرار داد نفت را دری مصلحت خودمان و مصلحت مملکت تصویب کردیم و امیدوار بودیم چون هیچ لایحه ای نیست در دوره هجدهم که ۱۱۳ رای آقایان داده باشند و آن لایحه نفت بود و برای این بود همه تشخیص دادیم که بصره و صلاح مملکت است و برای این بود که مسئله نفت سر صورتی پیدا کند و ایند کان

نفت بازی بسته بشود ولی خاطر آقایان محترم مستحضر است صورت جلسات هست چه در کمیسیون اختصاصی نفت و چه در جلسه عمومی مخالفین و موافقین یا نمایندگان که صحبت میکردند همه صحبت از این بود که ما درآمد نفت را اختصاص میدهیم برای کارهای تولیدی و عمرانی و آبادی و یکی از موضوعاتی که آقای دکتر امینی وعده کردند و بنده اتخاذ سند کردم طبق صورت جلسه موضوع ارز است موضوع ارز اساس مبادلات تجارتنی و اقتصادی است هر کشور که توانست پول خودش را محکم نگهدارد و نگذارد که این پول تنزل پیدا کند و در دنیا ارزش داشته باشد آن مملکت اوضاع اقتصادی اش از همه جا بهتر است بنده بیستم گروه استرلینگ یادار کار ندارم ملاحظه بفرمائید.

**سویس يك** کشوری است که چهار دهان جنگ وجه بعد از جنگ بعقیده بنده یکمده زیادی از اشخاصیکه بهره اقتصادی دارند فرائک سویس محکمتر از دلار آمریکا و یا لیره انگلستان یا هر دو شان بوده است بما اینجا وعده دادند که نسبت بخرچ ارز ما هم جنگ بین المللی دوم و قتیکه معقین بی ریشه جنگ میکشند بهشان ثابت شد که این جنگ اقتصادی بوده و قضیه کشور کشائی تهیه مستعمرات و اینها برای این بوده که محصولات و مصنوعات خودشان را زیادت بفروشند و در دنیا از حیث مقام اقتصادی برتری پیدا کنند و مملکت و ملتشان هم مرفه زندگی نمایند

بنده جنگ بین المللی اول را کار ندارم ولی این جنگ بین المللی دوم که بعضی ها تصور کردند که امریکائیها برای خاطر انگلستان یا فرانسه یا دلان دانتریک یا خود لهستان آمدند و وارد جنگ شدند در صورتی که اینطور نبود امریکائیها سه بازار عمده در دنیا داشتند که یکی امریکای جنوبی که متعلق بخودشان بود و کسی بآنجا هادست اندازی دست درازی پیدا نمیکرد و یکی چین بود که از بیانباز دستشان گرفته بودند یکی هم اروپا بود که آلمانها از دستشان گرفته بودند برای اینکه این بازارها را بدست بیاورند آمدند با تمام قوا کمک کردند بمفقی در جنگ با محورها و قتیکه ما این اصل را قبول کردیم که اساس جنگهای بین المللی روی امور اقتصادی است چرا در کشور ما باین مسئله هم توجه نمیکنیم و هر چه صحبت میشود از صحبت و رادیو پرورژه و مصاحبه باصطلاح پانین تر نیاید و کارهای عملی نمیکنند ملاحظه بفرمائید ما آمدیم قرار داد نفت را دری مصلحت خودمان و مصلحت مملکت تصویب کردیم و امیدوار بودیم چون هیچ لایحه ای نیست در دوره هجدهم که ۱۱۳ رای آقایان داده باشند و آن لایحه نفت بود و برای این بود همه تشخیص دادیم که بصره و صلاح مملکت است و برای این بود که مسئله نفت سر صورتی پیدا کند و ایند کان

یدکی ترا کنورهائییکه در اراضی زراعتی باید شخم بایزیم بزند و این لوازم یدکی را ببرند آنجاها بکار ببندازند میگوید مالرز نداریم جسمانهم آنجا موجود است ببینید ما سیاست اقتصادی داریم؟ ما بانک ملی داریم؟ اصلاً ملاحظه بفرمائید يك بانکي که سال قبل وزیر دارائی اینجا آمد گفت پنجاه و دو میلیون دلار بما فروخته اند قسمت اعظمش از قبل از صادرات است یعنی هنوز صادرات نکرده بما ارزش را فروخته اند باید وضعش طوری باشد که بگوید هنوز هزار و هفتصد دلار نداریم بدهیم برای این که لوازم یدکی ماشین آلات کشاورزی بیاورند؟ این چه سیستم امور اقتصادی است این چه برنامه ایست؟ شورای عالی اقتصادی چه میگوید؟ وزارت اقتصاد که میخواهد وزارت بازرگانی بشود چه میگوید؟ دنیا دنیائی است که باید سعی کرد سطح تولید را بالا برد و آن تولیدات کشاورزی ما را ملاحظه خواهید فرمود اگر باین ترتیب پیش برود همانطوریکه در سال ۳۳ صد هزار تن غله خریدیم با اینکه ما کشور غله خیز هستیم باز محتاج خواهیم شد که غله از خارج بخریم کشت خشخاش را هم که از بیین بریدید مطمئن باشید که صادرات ما هم از یک چهارم هم نباید پانین و زارغ و دهانی عوض اینکه در دهات کار کنند میآیند شهرها و عملی میکنند باید سعی نمائید که کشاورزی مکتبیزه شود قسمت آبیاری قسمت سد سازی را مطالعه کنند این بذرا تغییر دهند کرد شیمیائی تهیه و دفع آفات حیوانی و نباتی را مجهز و کامل نمایند و همچنین سایر قسمتها باینها هیچ توجه نمیشود آمدیم سر تولیدات صنعتی تولیدات صنعتی معاشرت از اینست چند قلم کالاها ی عمده که نصف واردات ما را تشکیل میدهند یعنی ۲۵ میلیون لیره استرلینگ واردات ما را تشکیل میدهند اینها را باید در درجه اول در داخله مملکت تهیه کنیم که عبارت است از قند و شکر و چای و پارچه های نخی و پانین ببینید در ظرف این دو سال بجای اینکه رفع احتیاج بکنید از این واردات ضروری ما چه قدمی برداشته ایم در قسمت قند مبینم که از ۷۰ هزار تن محصول داخلی تجاوز کرده؟ در قسمت چای از ۶ هزار تن تجاوز کرده؟ بلکه سطح تولید چای آمده پانین روی عدم توجهیکه شده با فرض بفرمائید مساللی دوست میلیون متر پارچه نخی احتیاج داریم بیش از ۶۰ هفتاد میلیون متر بیشتر تهیه نمیشود آنهم وضع کارخانجات ما ملاحظه بفرمائید کارخانجات بسغتی و بنا را حتی پول قرض کردن باینکه بکارگر حقوق ندادند دارند وضع خودشان را ادامه میدهند و همه فرار کرده اند از دست کار گرها و آمده اند در تهران و در اطراف تجارت تهران متحصن هستند هی کمیسیون بشت کمیسیون میشود با فرض بفرمائید نفت یکی از معادن تحت الارضی ما است اگر نسبت بمعادن دیگر توجهی بشود



که معادن ایران روی یک برنامه صحیح روی اصول علمی استخراج بشود نه اینکه بگندهای بابل و کلنگ در صدد استخراج معادن برآیند معدن باید با ماشین آلات استخراج بشود و خلاصه آن فلزاتی که بدست می آید صادر بشود باور بفرماند اگر توجه مخصوص نسبت باین صادرات معدنی بشود و برنامه صحیح چندساله تهیه بشود بدست خود مردم عمل شود و دولت هم کمک بکند ما از این راه صادرات خواهیم داشت در قسمت ورود ماشین آلات ملاحظه خواهید فرمود اینجا هم ضرر کردیم که واردات مادونک و صادراتمان یک نلک بنا بر این واردات ما فزونی دارد بر صادرات و اگر اینطور عمل بشود آنوقت خواهید دید که صادرات ما فزونی دارد و بازرگانی ما توازن پیدامی کند بودجه عمومی مملکت توازن پیدامی کند روز بروز هم وضع مالی دولت بهتر میشود و تجارت ما توازن پیدا میکند و اگر همین نحو بگذرد مطمئن باشید که امور اقتصادی ما صورت صحیحی بغود نمیگیرد و متوازنیم نسبت بکارهای تولیدی و آبادی کمک کنیم آنچه را که اطلاع دارم کمیسیون سازمان برنامه اغلب پروژههای سازمان برنامه را تصویب کرده و منظور این بوده که همه این ها بسوازت هم اجرا بشود . ملاحظه بفرمائید این برنامه شامل راهسازی بوده بندر بوده فرودگاه بوده بهداشت بوده سد سازی بوده آبیاری بوده درمانگاه بوده ساختمان های نیمه تمام بوده مدارس حرفه ای بوده از قبیل کشاورزی و صنعتی و غیره ملاحظه بفرمائید بنده میخواهم ببینم چه مقامی باید مسئول باشد و بیاید اینجا توضیح بدهد که این ۶۸ میلیون تومان که کمیسیون برنامه تصویب کرده برای مطالعه سندهای بزرگ و کوچک کشور در آذربایجان ، خراسان ، خوزستان همدان و سایر جاها بیاید اینجا توضیح بدهد که چه اقدامی کرده اند مگر میشود در آمد یک مملکت را اختصاص داد بیک مؤسسه ای که هیچ مسئول نداشته باشد و هیچکس هم نتواند بگوید که بالای چشم این مؤسسه ابرو است و تمام کارها را هم بدهد بدست خارجیا ؟ آقایان ما مسئول هستیم اینجا نشسته ایم ما ایرانی هستیم تا ایرانیها هستند باید کار را با آنها داد یک موقعی بود که میگفتند ما مهندس نداریم متخصص نداریم کتر نداریم متخصص کشاورزی نداریم بحد الله والمنة یکی از اقدامات مفید اعلیحضرت فقید رضا شاه کبیر اعزاز معصل باوریا بوده ملاحظه فرمودید که ما در تمام رشته ها افتخار داریم که استاد داریم متخصص داریم آنوقت کارها را میدهند بخارجیا یا فرض بفرمائید کارخانه سیمان را دادند بهائی پولی مطالعه کرده ۳۴ هزار دلار با پول دادند

و بعد هم بیایند در درخود آن مملکت مناقصه را باز کنند برنده را تعیین کنند وقتی هم برنده را معین کرد آنوقت هر چه در صد بگیرد و اول هم که اعلان مناقصه یعنی کایه دوشارژ تهیه میکنند روی کمیتهائی که می خواهد برنده بشوند درست بکنند .

**نایب رئیس** - آقای خرازی وقت شما تمام شد .

**بعضی از نمایندگان** - وقت میدهیم .

**نایب رئیس** - خیلی خوب تأمل بفرمائید تا عده کافی بشود .

**گریبی** - راجع سازمان برنامه هر چه بفرمائید کم گفته ام . (با ورود چند نفر عده برای رأی کافی شد)

**نایب رئیس** - آقای خرازی چه قدر وقت میخواهید ؟

**خرازی** - ده دقیقه .

**نایب رئیس** - آقایانیکه باده دقیقه وقت اضافی آقای خرازی موافقت قیام بفرمائید (اکثر بر خاستند) تصویب شد بفرمائید .

**خرازی** - بنده از اینکه آقایان اظهار لطف فرمودند برای دادند باده عراض بنده تشکر میکنم دوسه نفر از رفقا یادداشت داده برای بنده که یکی از رفقا نوشته بچه مناسب صدور چای داخلی را ممنوع کردند یکی دیگر از رفقا نوشته بعضی از مؤسسات خارجی هستند که با اعزام میکنند مثل انگلستان و با ماشین آلات صنعتی و برق میدهند پولش را پنجساله میگیرند بانک ملی با کمک نمیکند و ضمانت نمیکند که ما این ماشین آلات را بخریم یکی دیگر از رفقا مرقوم فرموده اند که در بنادر خلیج فارس مقصود خرم شهر و بندر شامور است که متأسفانه بندر ندارد مال التجارهها روی زمین ریخته میشود غالباً دم جزر رود دریا باعث میشود که آنها را آب بگیرد ولی ارضیه مطالبه میکنند و در خرم شهر هم باندازه کافی انبار هست دوتا حق الارض میگیرند یکی گمرک میگیرد یکی بندر بنده منظر اینست در روز اول که این دولت آمد و بر نامه داد بفرمایشات شخص اول مملکت که حقیقه همه معتقد هستیم و می بینیم که تنها کسی است که نسبت با مور مهمه این مملکت و حتی کارهای جزئی هم توجه دارد بصحت این بود که تحول بشود ولی ما از تحول چیزی ندیدیم بنده خودم در قسمتهای اقتصادی عرض میکنم هیچگونه تحولی که ایجاد نشد عقب هم رفته ایم بنده حاضر هستم که ثابت کنم برای اینکه در قسمت ارزی آقایان عرض کردم ۵۲ میلیون دلار گرفتند ما ارز خریدیم و حالا ۱۷۰۰ دلار نداریم که بدهیم برای تقاضای ورود لوازمیدکی

ماشین آلات کشاورزی آنوقت در سایر قسمتها هم آقایان همکاران محترم استحضار دارند بنده هم کم و بیش بی بهره نیستم در تقسیمتها هم تحول نشده حقیقه اگر بخواهید تحول بشود بنده یک نظری دارم ممکن است آقایان نپسندند بعقیده بنده غیر از دین مبین اسلام و شخص اعلیحضرت اگر بخواهیم در این مملکت کارهایی بشود باید در تمام شئون اجتماعی این مملکت تحول بشود و گرنه با حرف و اینها هیچ تحول نخواهد شد خوب . ملاحظه بفرمائید ماهیسه بیروی از منویات اعلیحضرت همایونی بشخص این دولت که کافرندارند هستیم میآیم در مسائل سیاسی مصلحت اعلیحضرت و مصلحت مملکت را تأیید و تصویب میکنیم ولی آنها هم که میآیند با ما قرارداد می بندند آنها هم باید توجه کنند و ما را هم با خودشان از لحاظ بنیه مالی مقایسه کنند زیرا از حیث بنیه مالی ما با آنها قیاس مع الفارق هستیم و قابل مقایسه نیستیم ما هنوز مردم مملکتمان در نلششان نان و چای میخورند و گیرشان نمیآید بنده آنروز عرض کردم بچه مناسب یک ملتی که روی طلا راه میبرد باید اگر این رشته مواد معدن راه بیفتد با آن دورشته دیگر یعنی کشاورزی و صنعتی راه بیفتد اول چیزی که مادر مملکت کسر داریم مطمئن باشید که آدم است آدم مقصود از فنی و غیر فنی مهندس حتی عمله سمیل هم مطمئن باشید ما کم داریم بچه مناسب مردم این مملکت بروند پشت سفارت انگلیس با اصطلاح پشت گردن هم بایستند اسم بپوشند که بروند کانادا بدون اینکه بدانند وضع آتیه شان چیست مادر مملکتمان باید سعی کنیم از افراد مملکت استفاده کنیم تمام اینها را بکار واداریم زندگی اینها منظم و مرتب باشد نه اینکه اینقدر ما بپوش بپوشند که بدون اینکه بدانند آتیه شان چیست بروند اسم بنویسند که بروند کانادا ، کسی باید فکر اینها را بکند ما وزارت اقتصاد مجهز می خواهیم سازمان برنامه ببرد ما میخواور این قانونش ببرد ما میخواور این سازمان جلوی کارها را سد میکند اولش هم هر کس بی رود میگوید که تمام ایران دزدند ما شاید پنج درصد اشخاص فاسد در دستگاه دولت و سازمان برنامه بیشتر نداشته باشیم .

مردم این مملکت بلد هستند از خود آن ها استفاده کنیم و اگر لازم است ازارچه متخصص بیآوریم برای مدت کوتاه و معنی باشد بخصوص اینها را یک مقاماتی تصدیق کنند و ما هم سعی کنیم که از افراد مملکت خودمان در آن رشته های به خصوص بفرستیم که بروند آن رشته بخصوص را که احتیاج داریم یاد بگیرند و برگردند توی این مملکت و خدمت بکنند باین مملکت ما یک مردم غنی نیستیم که اینقدر بخارجی پول بدهیم و بی بعنوان مشاوره و مشورت و هیأت واز این قبیل چیز ها پول بدهیم ما باید سعی کنیم که حتی المقدور احتیاجات اولیه مان در داخله کشور تهیه شود حتی المقدور دست ایرانیها باشد همین راه آه سر تاسری که ساخته شد فریاد دو کمپانی خارجی هیچ کمپانی خارجی نبود اعلیحضرت فقید تشویق میکرد که کارها را ایرانیها بکنند و کردند و راه آهن را کشیدند و حالا هم میتوانند در قسمتهای سد سازی و در قسمت راهسازی این عرق ایرانیست خودشان را بکار بیندازند و حقیقه میتوانیم نتیجه بگیریم و ضمانت دولت تقاضا داریم که اینقدر خودشان را بداشتن یک چنین اعلیحضرتی در مقابل خارجیها ضعیف نشان ندهند ما گله داریم بر آنکه وقتی ما حمله شد حتی یک اظهار تأسف هم نکردند حالا مادست دوستی برداری باینها میدهم برای روزی یادداشت عرافها اجازه دادند از دوست مملکتشان یکی از خرم شهر و دیگری از سرحد خسروی قشون وارد این مملکت شد ، اینها یک مسائلی است که وقتی مذاکره میکنید باید بنام ملت ایران حفظ حقوق مملکت و ملت ایران را بکنید .

**نایب رئیس** - جناب آقای حائری زاده .

**حائری زاده** - یک کاغذی است که از یک مدتی پیش برای بنده آمده این را میخواهم برای وزیر جنگ حالا جوابش را میدهند ما نمی نماند کسی بمن نوشته من از آن اطلاعی ندارم نوشته خواهش منم از آقای وزیر جنگ سؤال بفرمائید برای وصول ۱۸ میلیون تومانی که در دائراتش در اثر جعل سند اختلاس شده چه اقدامی کرده اند ؟ اگر اقدام نکرده اند چرا اقدام کرده اند ؟ این را بکنفری بمن نوشته من فراموش کرده بودم سؤال کنم این را حالا با بعد وزارت جنگ بمن جواب میدهند .

حمله ندارم ، رویش یک مطالعاتی بکنند . یک بیاناتی شد اینجا دوست محترم آقای دکتر مینا فرمودند آن قسمت فرمایشات ایشان که دول اسلامی همیشه سرشان جاهائی بند است تصدیق دارم ولی دول کوچکی که ده بیست میلیون جمعیت بیشتر ندارند

و در فشار هستند مجبور هستند یک جائی سروری داشته باشند این بیچارگی آنها است که مجبورشان کرده ولی اگر یک ذره آبی پیدا کنند شنا میکنند انگلستان در جنگ سابق که دولت عثمانی ، امپراطوری عثمانی بود بشریف حسین پسر فیصل وعده امپراطوری عرب را داد و بوعده خودش وفا نکرد در عرض و هابهارا کومک کرد و این سعود رفت آنجا و شریف حسین را در بدر کرد و برای اینکه بگویند ما میخواستیم انجام وظیفه کنیم فیصل پسر او را آوردند و از اینکه پادشاه عراق شد چون من در عراق بیش از مالک دیگر ممکن است اطلاعاتی داشته باشم در آنجا دوست داریم فامیل داریم ، خویش داریم و ممکن است اطلاعاتم از این کشور بیشتر باشد بیچاره فیصل خیلی دست و پا میگرد که با اکثریت آنجا که شیعه ها هستند سازش بکنند و زبیر بار انگلیسها کمتر برود در صورتی که خودشان او را آورده بودند حالا چه بازها در آوردند ، قانون انتخابات را چه جور تنظیم کردند و چه وضعی برای آق درست کردند چیزی است که نمیخواهم وارد شوم بالاخره مرحوم فیصل را در درم رضایخانه همان انگلیسها کشتند بسرش مرحوم فازی را هم که فعالیت میکرد و محبوبیتش هم در بین ملت عراق زیاد است ، او را هم کشتند و گفتند اتومبیلش خورده به تبرج ابرق و یکی از کسان او را که مدالاه باشد و یک مقام خدمت در قشون انگلیس داشت نایب السلطنه کردند .

ملل اسلامی اگر بخواهیم بهم سنخای کنیم واز این ضعف و ذوبی بیرون بیآوریم زیر بار فراتسه نمیروند زیر بار انگلیس نمیروند زیر بار کمونیس نمیروند ، یک واحدی میشوند ، مرد دنیا و زنه ای میشوند برای حفظ صلح جهان ، اینست که من با تصدیق اینکه امروز وضعیت دول اسلامی خوب نیست ولی اتحاد اسلامی را برای صلح جهانی و برای آتیه خود مسلمین واجب و لازم و عقیده بداند یک جمله دیگری هم بود در جلسه سابق یکی از دوستان محترم من بیاناتی کرد که یکی از روزنامه های پاریس فلان مزخرف و چرند را نوشته ، من چه در تهران بنویسند چه در پاریس بنویسند تغییر عقیده ای برای من ایجاد نمیکند و این هوچیگری ها هم برای من دیگر اثری ندارد . ( دکتر شاهکار - هوچیگریهای روزنامه ها را بفرمائید ) همه روزنامه ها را عرض نمیکند یک دستگاههایی است که برسیده روزنامه هوچیگری میکنند و من نمیخواهم معرفی کنم . بنده در جنگ بین الملل اول در بدر بودم در منطقه جنوب انگلیسها اجازه نمیدادند من آنجا باشم و در کتاب سرخ و سیاهشان هم اسم من را نوشته بودند ،

در آن موقع مرحوم آقا شیخ محمد حسین یزدی با وثوق الدوله صحبت کرد که چرا فلانی را در بدر کرده اند ، آمده تهران در بدر شده ، مرحوم وثوق الدوله که رئیس دولت وقت بود گفته بود که ما نظری نسبت به فلانی نداریم ما مانع نیستیم ولی او هم نرود در آن منطقه برای اینکه انگلیسها برای او اسباب زحمت درست میکنند و در کتاب سرخ و سیاه هم اسمش را نوشته اند . من همینطور در بدر بودم تا جنگ خاتمه پیدا کرد موقعی که جنگ تمام شد پلیس جنوب مرگش در فارس شد دیگر در یزد نبودند و من توانستم بروم یزد ، همچنین بنده موقعی که رفتم خراسان برای تشکیل حزب دموکرات و کشمکشان شد با حزب توده آنجا هر روز فحشهای آبدار از رادیوی مسکو و با کوی تلویزیون میگرفتند اینست که از نظر سیاست خارجی بنده را همه می شناسند و فلان مزخرفی را که فلان روزنامه بنویسد اثری نخواهد داشت در روح من آنجا باعث بدبختی در مملکت ما شده اینست که حکومت از راه هوچیگری اراده خودش را میخواهد تعجیل مکت کند نه از راه دلیل و برهان لذتایکی حرف بزند میگویند این بیهائی است کبک حرف زده میگویند این بیهائی است کبک حرف زده انگلیسی است کبک حرف زده روسی است این حرفها نسبت به بعضی از اشخاص ممکن است مؤثر باشد ولی بعقیده من و رفقای من من دیگر کرده ام و این حرفها در من اثری ندارد ( صحیح است ) این اشخاصی را که میگیرند و حبس میکنند بنام توده ای من بعضی از آنها را معتقدم که از ناراضیها هستند در عرض تعجب میروند میگیرند و بدبخت را حبس میکنند یک مارک توده ای هم رویش میزنند اینها مصلحت مملکت نیست که روز بروز ناراضی را زیاد کنند و مزاحم درست کنند مع التأسف وضع دولت ماجوری است که این کارهای کوچولو را که هیچ زحمت ندارد عاجز است و نمیتواند اداره کند ، آنوقت میخواهد در سیاست بین المللی بزرگ شلنگ بردارد این خیلی مشکل است ، یک داستانی را عرض کنم بریز روز در منزل ما گفتند یک زنی را برده بودند زن زایشگاه وضع حمل کرده بود یک پسری زایشگاه بود بعد از پنج شش روز که مرخصش کرده بودند دختری تعویض داده بودند زن گفته بود بچه من پسر بود چطور دختر شد ، در مقام تعقیب بر آمدند بالاخره پرستار را بیرون کردند ولی هنوز پسرش پیدا نشده است خوشتر است هم بجزیه کرده اند خون این دختر با خون این زن تطبیق نمی کنند خوب وقتی وضعیت اینجوری است که یک پسر و دختر مردم را توی زایشگاه درست میکنند و نمیتوانند نگاهدارند ، این آدمش حاضر است این قصه را بریز روز بمن گفتند ، چه کنیم و ضمانت چنین است ، خدا رحمت کند مرحوم مستشار الدوله صادق را ، او در

صدر مشروطیت خیلی زحمت کشیده بود برای قانون اساسی و در کارها هم خیلی وارد بود در قراردادای که وثوق الدوله بخواست بود در ۱۹۱۹ با انگلستان ببندد یکی از کسانی که مخالفت کرده بود و تبعیدش کرده بودند و فرستاده بودندش به کاشان مرحوم مستشار الدوله بودم مرحوم مستشار الدوله میگفت هر وقت خارجیا یک خواهشائی می بینند برای ما یک مشت دین درست میشود در ایران ، یک قسمت سرگرمیهای برای مردم درست میشود که بهم مشغول باشند حالا هم با ورشکستگی درست میشود یا حریق - اتفاق میافتد یا قتل و غارتی بیش میآید با نایب حسین کاشی درست میشود با نایب حسین کاشی از بین میروند ، یک حوادث حادی درست میکنند برای اینکه مردم را مشغول کنند و در ضمن مقاصد خودشان را در این تاریکی و هرج و مرج پیش ببرند ، آن مرحوم داستانها میگفت حالا هم ما گرفتار این وضعیت شده ایم ، امروز این جمله را لایدم عرض کنم دولتها در دنیا دو قسمند یک عده ای هستند که مبعوث از طرف اکثریت ملتند و یک دسته ای هم هستند که تحمیل هستند به اکثریت ملت حکومتیهای که مبعوث از طرف اکثریت ملتند اینها الهام میگیرند از ملت که ببینند مردم به چه چیز علاقه دارند و وسایل آن را فراهم میکنند و نواقص را مرتفع میکنند دولتتانی که تحمیل با اکثریت ملت هستند سعی میکنند تقویت کنند و مردم را بهم میاندازند زد و خورد درست میکنند جنگ های مصنوعی میسازند هزار بازی در میآورند تهمت ها بهم میزنند که دوتا برادر با هم نباشند تا بتوانند حکومتشان را ادامه بدهند انگلستان سال های سال در هندوستان و پاکستان غیر از این رویه ای نداشت حکومتی بود که تحمیل شده بود با اکثریت ملتی و هر روز ایجاد اختلافی ، ایجاد یک فساد میگرد و یک بازی در میآورد که حکومت کند مع التأسف بعقیده من ما گرفتار این نوع حکومت هستیم یک موضوعی بود که بر اینم خیلی مشکل بود برای من در اطرافش بحث کنم ولی چاره ندارم چون شکایت شده از این موضوع و منم از وزیر کشور سؤال کرده ام چون سوالات ممکن است تا دوره ۱۹ نوبه اش برسد که منم امیدوار هستم موفق نباشم که حضور داشته باشم این موضوعی است که پس از تشریف فرمائی اعلیحضرت همایونی از سفر آمریکا و انگلستان بایران یک قیام دینی در ایران شد بالای منبرها علیه یک جماعتی حرفهای زده شد و تبلیغاتی شد روح مردم را برای حشمتکش مهیا و آماده کردند این جمله را در مقدمه بگویم که خارجیا همیشه در میان یک ملت و یک مملکتی برای پیشرفت مقاصدشان یک ستون پنجمی باید ایجاد کنند به رسم و رسمی که هست از صد سال پیش تا کنون آنروز بازار

مذهب سازی رواج بود چندی پیش حالا بازار با سم حزب و مسلک و مراسم گرم است آنوقت هم بازار دین سازی رواج بود دین های مختلف هر کسی که یک موقبتی برایش پیش میآید یک دینی برای خودش درست میکرد شیعی میشد بایی میشد دهری میشد یک چیزی در میآورد خارجی ها برای استفاده خودشان که ستون پنجم خود را تقویت کرده باشند از این حرفها استفاده میکردند خود من در ۲۲ و ۲۳ سال پیش از گوشه روسیه عبور کردم به عشق آباد که رسیدم آنجا یک کولوبی بود که مال بهائیها بود ما را هم مشرق الاذکار میگفتند من رفتم وضعی را هم دیدم باغچه هایش را تماشا کردم من بچه کوچکی بودم در مشهد بلوایی شد و یکی را توی خیابان نفت ریختند و آتش زدند و گفتند بهائی است یک چندی حکومت و دولت مرکزی مشغول کشمکش اینکار بود . ایضا بچه بودم مرا بردند بزرگوار پنج سال قبل از مشروطیت بودم مرحوم حلال الدوله حکومت یزد بود آن موقع بازار جنگال و بهائوئی شد بتوان اینک بایی کشتند یک عده ای را کشتند خود من آنجا توی کوه ، فامیل های سید علم محمد باب بود که آنها را بنام افتان در اغلب شهرستانها آنچه من تعقیب کردم عوامل غیر مستقیم که روسها و یانگیسها داشتند همین ها بودند برای این که زیر این ها بعد چند فرقه شدند بایی بودند بعدش بهائی ازلی شدند که هر کس خواسته باشد میتواند برود تاریخ آنها را مطالعه کند .

**نایب رئیس** - جناب آقای حائری زاده یک ربع وقت جنبائی تمام شد اگر وقت میخواهید بایر میگیریم .

**حائری زاده** - من مقدمه اش را عرض کرده ام باید تمامش کنم اگر آقایان اجازه میدهند تمام کنم .

**نایب رئیس** - تأمل کنید رای می گیریم . چه قدر وقت میخواهید ؟

**حائری زاده** - یک ربع ساعت .

**نایب رئیس** - رای میگیریم برای یک ربع اضافه صحبت آقای حائری زاده آقایان که موافقت قیام بفرمائید . ( اکثر برخاستند ) تصویب شد بفرمائید .

**حائری زاده** - این دسته ای که اسمشان بهائی یا ازلی یا بابی یا راجه بود دو سه دسته شده بودند اینها هر کدام متون پنجم یکی از مالک زورگو بودند بهائی ها ستون پنجم روسها بودند مشرق الاذکار داشتند و کمکشان میکردند و تاجر باشی هایشان و وکیل باشی هایشان از آنها بود یک عده دیگر مال انگلیسها بودند بعد از اینکه انقلاب روسیه شد و آنجا قلم دور دین و مذهب کشیدند روسیه تزاری ،



تبدیل شد باتحاد جماهیر شوروی  
سوسیالیستی فعلی و آنها مثل اینکه ضعیف  
شد دستگاهشان لذا از باب دیگری برای  
خودشان پیدا کردند و رفتند ستون پنجم  
یک دولت دیگری شدند من تا آنجا که  
نظرم هست بچه بودم در یزد بلوا شد آن  
فرماندار را مردم معاصره کردند در  
صورتیکه شاهزاده مسلمان بود و بهائی  
نبود ولی چون به انگلند روس که بهائی بود  
کمک کرده بود احساسات اکثریت  
تعبیر کردیده بود قتل و کشتاری شده  
بود چندی طول کشید همینطور قتل و  
کشتار ادامه داشت و غارت میکردند که  
پدر من رفت منیر و مردم را نصیحت  
کرد دعوت کرد تا بلوا خاموش شد که بابا  
بابی را بیخودی نمیشود کشت بهائی را  
بیخودی نمیشود کشت اینها را بجای کشت  
باید دعوت کنید اگر مردمی هست دارای  
یک شرائطی هست آنهم بحکم قانون شرع باید  
تکلیفش رامین کنید نه اینکه مردم بریزند  
بکشند مردم نصیحت داد و آن غایب را  
خانه داد زیرا که بهائی های امروزه بهائی  
های امروزی نیستند اینها جدهای پدرشان  
بهائی بودند اینها را نمیشود در ردیف  
مردم قرار داد و کشتن .  
خوب مردمی هستند برای خودشان حاکم شرع  
باید تکلیفشان را معین کند . امروز من  
میفهمم که این بازیها را در ایران دولتها  
برای چه مقصدی انجام میدادند هر روز  
مقصودی بوده که احساسات مردم را تحریک  
میکردند باین ترتیب که یک حکایت بی جانی  
از این اقلیت خیلی قلیلی که از اظهار  
هقیقه خودش هم شرم دارد که خودش را  
معرفی کند زیرا اینها قومی هستند که  
معتقد به ملیت و وطن نیستند من مطالعه کردم  
اغلب کتابهایشان را دیده ام اینها با اصول  
وطنی و ملی و این حرفها معتقد نیستند یک  
سخن فکر دیگری دارند برای خودشان و  
اینها در مملکت ما آنهاشان کشور دارند  
یک ستون پنجمی هستند برای اجنبی باقی  
هم که افتخار الله هستند ، باقی شان هم که بیچاره  
هستند و خودشان اسمشان را گذاشته اند  
اغنام الله پس از مراجعت اعلیحضرت هایونی  
از مسافرت آمریکا و انگلستان بایران  
باز دین ترویج شد آفتابنی که  
کس و کار داشتند زندگی داشتند ، دادوستد  
داشتند نسبت بهمدیگر هیچ این کشمکش  
ها را نداشتند حتی نظرم هست جمعیت شیرو  
خورشیدی در یزد درست کرده بودند  
کسیکه مدیر عاملش بود پاچه کارهاش  
بود که آنجا مؤثر بود از همان فامیل  
افغان بود که توی این قضایای اخیر  
خودش رفت کنار یکروز یکی از بزبدها  
پس میگفت بیچاره شیرو روز میدوید حالا  
که کنار رفته وضع خراب شده  
است . بهر حال مردم قاطعی هم بودند  
کشمکش و نزاع نبود ، بوسیله رادیو

بوسیله روزنامه بوسیله نطق و خطابه  
احساسات مردم تحریک شد در این بین  
فلان کس که با فلاخی اختلاف ملک داشت  
نزاع داشت مثل اینکه هر کس با هر کس  
خصوصیت داشت میگفت این هم توده است  
بگیریدش من او را در فلان شعبه ، فلانجا  
فلان زهر مار دیدم من این حرفها زیاد است  
از این حرفها من درست خبری ندارم  
بجهت اینکه دولت نمیکند که اینجا  
اخبار صحیح منتشر شود ولی در قسمت یزد  
یک چیزهایی که بمن نوشته اند میخواهم  
مختصریش را با اطلاع آقایان برسانم یک  
بلوکی دارند آنجا پشتکوه که  
در حدود صد کیلومتر با شهر یزد  
فاصله دارد آنجا وسیله تمدن خیلی کم  
است مدرسه ای داشته باشد بیداری داشته  
باشد نه هیچ چیز ندارند بدبخت ها یک  
زندگی با آدمی دارند . در آنجا یک  
مزرعه ای بوده است ، هر مزرک اسم آن  
یک شرائطی هست آنهم بحکم قانون شرع باید  
تکلیفش رامین کنید نه اینکه مردم بریزند  
بکشند مردم نصیحت داد و آن غایب را  
خانه داد زیرا که بهائی های امروزه بهائی  
های امروزی نیستند اینها جدهای پدرشان  
بهائی بودند اینها را نمیشود در ردیف  
مردم قرار داد و کشتن .  
خوب مردمی هستند برای خودشان حاکم شرع  
باید تکلیفشان را معین کند . امروز من  
میفهمم که این بازیها را در ایران دولتها  
برای چه مقصدی انجام میدادند هر روز  
مقصودی بوده که احساسات مردم را تحریک  
میکردند باین ترتیب که یک حکایت بی جانی  
از این اقلیت خیلی قلیلی که از اظهار  
هقیقه خودش هم شرم دارد که خودش را  
معرفی کند زیرا اینها قومی هستند که  
معتقد به ملیت و وطن نیستند من مطالعه کردم  
اغلب کتابهایشان را دیده ام اینها با اصول  
وطنی و ملی و این حرفها معتقد نیستند یک  
سخن فکر دیگری دارند برای خودشان و  
اینها در مملکت ما آنهاشان کشور دارند  
یک ستون پنجمی هستند برای اجنبی باقی  
هم که افتخار الله هستند ، باقی شان هم که بیچاره  
هستند و خودشان اسمشان را گذاشته اند  
اغنام الله پس از مراجعت اعلیحضرت هایونی  
از مسافرت آمریکا و انگلستان بایران  
باز دین ترویج شد آفتابنی که  
کس و کار داشتند زندگی داشتند ، دادوستد  
داشتند نسبت بهمدیگر هیچ این کشمکش  
ها را نداشتند حتی نظرم هست جمعیت شیرو  
خورشیدی در یزد درست کرده بودند  
کسیکه مدیر عاملش بود پاچه کارهاش  
بود که آنجا مؤثر بود از همان فامیل  
افغان بود که توی این قضایای اخیر  
خودش رفت کنار یکروز یکی از بزبدها  
پس میگفت بیچاره شیرو روز میدوید حالا  
که کنار رفته وضع خراب شده  
است . بهر حال مردم قاطعی هم بودند  
کشمکش و نزاع نبود ، بوسیله رادیو

هستند که برای خوش آمد مالک اظهار  
بهاگیری میکنند این آقای خلجالی که رفته بوده  
آنجا می بیند این تبلیغات و هیاهو هست از  
آن ده رفته است از راه دور از شهر بابک  
یکدسته ژاندارم یا میشود میروند آنجا  
این آقا را توی بیابان میگردد  
بهائی ها هم همراه ژاندارمها بوده اند  
یکدسته ای بهش توهین میکنند و اذیت میکنند  
بندم می آیند قراری برای اوصاف میکنند  
و طبق قانون امنیت اجتماعی جناب مصدق -  
السلطنه او را تبعیدش می کنند بقم بعدش  
هم می گویند صلاح نیست در قم باشد  
تبعیدش میکنند به خاش مأمورین دولت  
در آنجا تظاهر بحمايت از بهائی ها میکردند  
و اختلاف ملکی نزاعی که بین آنها بوده  
است برای اینکه استفاده های مادی از  
آنها میکردند بآنها توهین میکردند  
جریحه دار میکردند احساسات اینها  
چند سال بوده است که شریک ملکی بودند  
معامله داشته اند این عمل هرگز دولت تحریک  
می کند احساسات آنها را تا کار بجائی  
میرسد که یکی از اهلی مزرعه هر مزرک که  
زنش زردشتی بوده و خودش بهائی بوده  
و پسرش هم در امریکا تحصیل می کرده آنجا  
حمام نداشته اند رفته است بحمام مجاور مزرعه  
حمامی بلو می گوید من اگر شمارا در  
حمام راه بندم اهل دمسلمانها میگویند  
حمام نجس شده و حمام ما نمی آیند تو برو  
جای دیگر اینها کارشان بفحاشی میرسد  
این حمامی و اینها میروند بشهر  
شکایت میکنند که اینها چرا ما را اذیت  
میکند آنها میروند پست ژاندارم می آیند  
را بر میدارند و می آورند که ما را چرا در  
حمام راه نداده اند مأمورین ژاندارم می  
میفرستند آن حمامی را و کسان دیگر را  
که در آنجا بودند میخوانند که چرا راه  
نداده اند بهائیها میگویند که این خودش بهائی  
است و زنش زردشتی است بروند حمام دیگر  
لازم نیست حمام ما بیاید آنها را کتک میزنند  
آن حمامی آنها را که مانع رفتن آنها بوده  
است در محضر بهائی ها آنها را کتک میزنند  
اینها چند نفر کتک میخورند یک مزرعه نزدیکی  
آنجا هست چند تا خانواده است قصبه  
سغوبه آنها میروند آنجا آن افسر ژاندارم می  
نگران میشود که ممکن است مردم  
هیاهویی بکنند آنهم پامشود میروند منزل  
کدخدایان مریضت میشود مردم هیاهو میکنند  
که ما را کتک زد در حضور بهائیها کدخدا  
از ده خارج میشود که بروند در تلگرافخانه  
شکایت کندو تلگرافخانه چهار پنج کینو  
متر فاصله دارد تا آنجا ، اینها ازده روانه  
میشوند که بروند در تلگرافخانه شکایت  
کنند وقتی که از آبادی خارج میشوند آن مزرعه  
چهار پنج کیلومتر بیشتر راه نیست تا آنجا  
کسانیکه از فامیل مضروبین بوده اند می-  
گویند شکایت چه فایده دارد هر روز بلا

بسرما میآورند دولت که با ما موافق است  
این ژاندارمها پولی گرفته اند و مزاحم ما  
شده اند میروند توی ده که هفت هشت خانوار  
بیشتر نبوده شش مردو یکزن آنجا  
کشته و اسبابشان را آتش میزنند (دکتر  
جزایری - اینکار تازه شده ؟) تاریخش را  
عرض میکنم این گزارشی است که بمن  
رسیده .  
نایب رئیس - سه دقیقه دیگر بیشتر  
از وقت جناب عالی باقی نماند .  
حائری زاده - پس این سؤال و جواب  
هارا موضوع کنید .  
نایب رئیس - از آقایان هم خواهش  
میکند دخالت نکنند برای اینکه امروز لااقل  
کاری بگذرد . بفرمائید .  
حائری زاده - بله این موضوع باعث  
میشود که این بلوا و شلوغی بیش بیاید  
مأمورین ژاندارم میروند بشهر و صد  
کیلومتر فاصله بوده است تا آنجا از صاهان  
در حدود صد نفر ژاندارم با تانک و توپ و  
دستگاه میروند با آبادی آن آقایانی که  
مباشری عمل بوده اند فرار میکنند و میروند  
توپ و تانک بگویند بنده بودم توی شلوغی  
آنجا فرار میکنم میروند ژاندارمها وارد می-  
شوند هر کس که سرش بکلاهش ارزش  
داشته لغزش میکنند توی این آبادی  
دیگر مرغ و گوسفند و زندگی جانیکند از ده  
چند نفر ژاندارم می که بوده اند یکدسته ای را  
که فامیل آنها را بهائی های یک اختلاف ملکی  
داشته اند اختلاف قلیلی داشته اند عرضی  
معرفی میکنند ۶۳ نفر مردمی که گناه معرفی  
میکند میگیرند چند رشک میکنند اذیت  
میکند و اقراری از آنها میگیرند بمانند محله  
یک دختری است که بابا و عمویش کشته  
شده این را هم گرفته اند والان در محبس  
است ۶۳ نفر را بطرز فجیعی میگیرند  
نداده اند بهائیها میگویند که این خودش بهائی  
است و زنش زردشتی است بروند حمام دیگر  
لازم نیست حمام ما بیاید آنها را کتک میزنند  
آن حمامی آنها را که مانع رفتن آنها بوده  
است در محضر بهائی ها آنها را کتک میزنند  
اینها چند نفر کتک میخورند یک مزرعه نزدیکی  
آنجا هست چند تا خانواده است قصبه  
سغوبه آنها میروند آنجا آن افسر ژاندارم می  
نگران میشود که ممکن است مردم  
هیاهویی بکنند آنهم پامشود میروند منزل  
کدخدایان مریضت میشود مردم هیاهو میکنند  
که ما را کتک زد در حضور بهائیها کدخدا  
از ده خارج میشود که بروند در تلگرافخانه  
شکایت کندو تلگرافخانه چهار پنج کینو  
متر فاصله دارد تا آنجا ، اینها ازده روانه  
میشوند که بروند در تلگرافخانه شکایت  
کنند وقتی که از آبادی خارج میشوند آن مزرعه  
چهار پنج کیلومتر بیشتر راه نیست تا آنجا  
کسانیکه از فامیل مضروبین بوده اند می-  
گویند شکایت چه فایده دارد هر روز بلا

این رویه طبق آنچه در مقدمه عرض کردم فقط  
برای اینست که بوسیله الحاق ما را فراهم کنند  
بدیگران یک سر گرمی برای مردم درست میکنند  
برای اینکه مردم را گرفتار کنند غیر از این  
چیزی بعقل من نرسیده بنابر این دولت علیه این  
فساد را عالماها مدد درست کرده اند لذا ناگزیریم  
این توطئه را بر سر دنیا میرسانم .  
نایب رئیس - وارد دستور میشویم .  
آقای دکتر جزایری  
۳ - تقابیم یک فقره سؤال  
بوسیله آقای دکتر  
جزایری  
دکتر جزایری - یک سؤالی است  
راجع بسرقت پوهانی که در بانک میشود  
تقدیم میکنم  
حائری زاده - امنیت ماشاء الله همه  
جا هست  
۴ - اخذ رأی نسبت به  
پیشنهاد آقای صدرزاده  
دائر بطرح لایحه اعتبار  
ترمیم حقوق آوزگارگان  
و عدم تصویب آن  
نایب رئیس - آقای صدر زاده  
بفرمائید .  
صدر زاده - بنده خواستم یک تذکر  
نظامنامه ای حضور مقام ریاست عرض کنم  
و آن این است که لایحه فروش خالصجات  
که مطرح شد در این لایحه ، لایحه حقوق  
آموز کاران از طرف وزیر فرهنگ تقدیم شد  
و فوریت آن مورد تصویب قرار گرفت  
و آن این است که لایحه فروش خالصجات  
آموز کاران از طرف وزیر فرهنگ تقدیم شد  
و فوریت آن مورد تصویب قرار گرفت  
است چنانچه آقایان نمایندگان محترم  
تصویب بفرمایند چون یک ماده بیشتر نیست و  
راجع بحقوق آموز کاران است آنرا  
مقدمه تصویب بفرمائید و تمام بفرمائید و  
بعد بلافاصله لایحه خالصجات را در دستور  
قرار بدهیم .  
نایب رئیس - محتاج برای است  
بسته بموافقت مجلس است چون دستور  
تعبیر پیدا میکند .  
عمیدی نوری - دستور لایحه  
خالصجات است پیشنهاد کفایت مذاکرات  
داده شده  
نایب رئیس - آنهم محتاج برای  
است بنابراین باید عده کافی بشود عده که  
کافی شد تکلیفش معین میشود .  
عبدالرحمن فرامرزی - آئین  
نامه را اجرا بفرمائید .  
نایب رئیس - این پیشنهاد ارجح به  
تغییر دستور است در لایحه خالصجات وصول  
پیشنهاد کفایت مذاکرات را هم جلسه گذشته  
آقای رئیس اعلام فرمودند حالا است برای  
مجلس است آقایانی که موافق هستند با  
تغییر دستور که ماده واحده وزارت فرهنگ  
مطرح شود رأی خودشان را بوسیله برخاستن

اعلام بفرمائید (عده کمتری برخاستند)  
تصویب نشد  
۵ - مذاکره در گزارش  
کمیسیون فو این دارائی  
راجع بفروش خالصجات  
نایب رئیس - گزارش کمیسیون  
راجع بفروش خالصجات مطرح است در  
کلیات پیشنهاد کفایت مذاکرات رسیده  
(یک نفر از نمایندگان - کمی پیشنهاد  
کرده ؟) (محمد علی مسعودی - بنده  
پیشنهاد کردم)  
عمیدی نوری - در کفایت مذاکرات  
بحث شده حالا باید رأی گرفته شود  
نایب رئیس - بحث نشد  
جلیلی - آقای صارمی پیشنهاد  
کفایت مذاکرات داده اند آقای نقابت  
پیشنهاد داده اند آقای اردلان خودشان  
پیشنهاد داده اند و آقای موسوی و آقای  
عمیدی نوری  
نایب رئیس - آقایان مخالفند بنا  
کفایت مذاکرات (اظهاری نشد) اگر  
مخالفی هست بیاید صحبت کند اگر نیست  
رأی بگیریم (جمعی از نمایندگان مخالفی  
نیست) رأی میگیریم بکفایت مذاکرات  
آقایانی که موافقت قیام بفرمائید (اکثر قیام  
نمودند) تصویب شد رأی میگیریم بورود در  
شور مواد آقایانی که موافقت قیام بفرمائید  
(اکثر برخاستند) تصویب شد ماده اول  
مطرح است  
(بشرح زیر قرائت شد)  
ماده اول - وزارت کشاورزی مکلف  
است بر طبق مقررات این قانون نسبت به  
فروش کلیه خالصجات اعم از قزاق و مزارع  
و اراضی و قنوات دائر و باشر و مستغلات و  
اینکه که ملک قطعی دولت باشد اقدام نماید  
(باستثناء مراتع و جنگلهای طبیعی و هم  
چنین خالصجات وابسته و مستغلاتی که مورد  
احتیاج مؤسسات دولتی می باشد و فهرست  
آن بساطلاع کمیسیونهای مربوطه مجلسین  
خواهد رسید)  
تبصره ۱ - نسبت بآنچه از املاک و  
اراضی خوزستان که تا تاریخ تصویب این  
قانون آباد شده طبق ماده واحده مصوب  
۱۶ فروردین ۱۳۱۴ و ماده ۵ قانون مصوب  
۲۰ آبانماه ۱۳۱۶ اقدام و بعداً هر گونه  
واگذاری و همچنین نسبت بآنچه از املاک  
واگذاری سابق در خوزستان که تعهدات  
و شرائط انجام نشده مطابق مقررات این  
قانون عمل میشود  
تبصره ۲ - مزارع سنگسرو قوش عظیم  
و صحرای داودی بقیمت عادلانه ارزیابی و  
بآستان قدس رضوی بفروش خواهد رسید  
نایب رئیس - مخالف در ماه اول  
آقای نقابت اسم نوشته اند تشریف ندارند  
مخالف دیگری نیست ؟  
حائری زاده - بنده مخالفم  
نایب رئیس - بفرمائید

بکنند و بجای اینکه اصلاح بکنند خراب  
بشود . آن قانون اولی را که گذرانندند  
بعد از چندی آمدند یک قوانینی گذرانندند  
که من شنیده عده ای از آقایان صاحب منصب  
های ارتش کسانی که ساخته نخست وزیری و  
وزارت داشتند و اهل فلاح هم نبودند  
رفتند آنجا اراضی زیادی را قبضه کردند  
این مسئله باز متوقف کرد آبادی آنجا را  
(صحیح است) من گویا در پنج شش سال  
پیش بود که رفتم آنجا آقای موسوی هم  
که در باغچه شهرداری اهواز مر کبات هم  
دارند ولی مر کبات مصرف خودشان را از  
بصره میاورند خودشان مصرف مر کباتی  
خودشان را ندارند ولی در باغچه شهرداری  
مستورم اش هست در آنجا آقای استاندار  
بود و آقای موسوی هم تشریف داشتند من  
گفتم اگر مر کبات در اینجا عمل نمی آید  
یک حرفی است ولی من توی این باغچه  
شهرداری دیدم که درخت مر کبات هست ترمهم  
دارد این آب باین زیاد و این زمین باین وسعت  
خجالت آور است که ما خودمان مر کبات  
نداشته باشیم و از بصره و آن طرف بیآوریم  
(عبدالرحمن فرامرزی - شأن مر کبات ایران  
اجل از این است که بخور نماباید بعنوان  
مسطوره نگاهدارند) یک فرمایشی کردند  
آقای موسوی که من قانع شدم گفتند که  
یک شخصی بقطعه زمین داشته در کنار  
رودخانه تلمبه ای میخواسته است نصب کند  
که باغچه اش را آباد کند قهراً آب باید  
بآن قسمتی که میاید جریان طبیعی داشته  
باشد از بالا باین سرازیر بشود معلوم  
تلمبه را بالاتر از زمین خودش که مال دولت  
بوده اراضی بائر بوده آنجا انتخاب نصب  
کرده و آب را آورده یک باغچه مر کباتی  
هم درست کرده اداره مالیه مدعی شده که  
شما در زمین خالصه دولت رفته اید تصرف  
عدوانی کرده اید مالیه شکایت کرده بالاخره  
وقتی که تمام مراحل را پیموده و قطعی شده  
دستور اجرا داده شده حالا که خواسته اجرا  
کنند تلمبه را بکنند این باغ هفت هشت  
ساله این آدم خشک شده او هم رفته دنبال  
کارش این کمکی است که دولت برای کمک  
با آبادی میکند باین ترتیب کیست که پرود  
آبادی بکنند یک کسی که میروند زحمتی  
میکشد آباد میکند اینجا تا صحبت تقسیم  
اراضی میشود یک مشت مفتخور و گردن  
گفت و چپاولگر میروند میبایستند توی این  
اراضی موقع کتک خوردن و سر باز دادن که  
میشود آنوقت نوبت این رعایای بیچاره  
بدبخت میشود که باید در فشار و زحمت باشند  
عمران را فراهم میگردیم باین سرمایه ای  
که شما خرج میکنید برای سبندی چون  
مایول نداشتیم این خرج را نمیگردیم ما  
مختصر عمل میکردیم نه اینکه تمام نهر  
راه بندیم و رعیت هم نداشته باشیم که عمل  
کنیم و این آب بیفتد توی صحرا صه  
باتلاق درست بکنند و تولید پشه مالاریا

بکنند و بجای اینکه اصلاح بکنند خراب  
بشود . آن قانون اولی را که گذرانندند  
بعد از چندی آمدند یک قوانینی گذرانندند  
که من شنیده عده ای از آقایان صاحب منصب  
های ارتش کسانی که ساخته نخست وزیری و  
وزارت داشتند و اهل فلاح هم نبودند  
رفتند آنجا اراضی زیادی را قبضه کردند  
این مسئله باز متوقف کرد آبادی آنجا را  
(صحیح است) من گویا در پنج شش سال  
پیش بود که رفتم آنجا آقای موسوی هم  
که در باغچه شهرداری اهواز مر کبات هم  
دارند ولی مر کبات مصرف خودشان را از  
بصره میاورند خودشان مصرف مر کباتی  
خودشان را ندارند ولی در باغچه شهرداری  
مستورم اش هست در آنجا آقای استاندار  
بود و آقای موسوی هم تشریف داشتند من  
گفتم اگر مر کبات در اینجا عمل نمی آید  
یک حرفی است ولی من توی این باغچه  
شهرداری دیدم که درخت مر کبات هست ترمهم  
دارد این آب باین زیاد و این زمین باین وسعت  
خجالت آور است که ما خودمان مر کبات  
نداشته باشیم و از بصره و آن طرف بیآوریم  
(عبدالرحمن فرامرزی - شأن مر کبات ایران  
اجل از این است که بخور نماباید بعنوان  
مسطوره نگاهدارند) یک فرمایشی کردند  
آقای موسوی که من قانع شدم گفتند که  
یک شخصی بقطعه زمین داشته در کنار  
رودخانه تلمبه ای میخواسته است نصب کند  
که باغچه اش را آباد کند قهراً آب باید  
بآن قسمتی که میاید جریان طبیعی داشته  
باشد از بالا باین سرازیر بشود معلوم  
تلمبه را بالاتر از زمین خودش که مال دولت  
بوده اراضی بائر بوده آنجا انتخاب نصب  
کرده و آب را آورده یک باغچه مر کباتی  
هم درست کرده اداره مالیه مدعی شده که  
شما در زمین خالصه دولت رفته اید تصرف  
عدوانی کرده اید مالیه شکایت کرده بالاخره  
وقتی که تمام مراحل را پیموده و قطعی شده  
دستور اجرا داده شده حالا که خواسته اجرا  
کنند تلمبه را بکنند این باغ هفت هشت  
ساله این آدم خشک شده او هم رفته دنبال  
کارش این کمکی است که دولت برای کمک  
با آبادی میکند باین ترتیب کیست که پرود  
آبادی بکنند یک کسی که میروند زحمتی  
میکشد آباد میکند اینجا تا صحبت تقسیم  
اراضی میشود یک مشت مفتخور و گردن  
گفت و چپاولگر میروند میبایستند توی این  
اراضی موقع کتک خوردن و سر باز دادن که  
میشود آنوقت نوبت این رعایای بیچاره  
بدبخت میشود که باید در فشار و زحمت باشند  
عمران را فراهم میگردیم باین سرمایه ای  
که شما خرج میکنید برای سبندی چون  
مایول نداشتیم این خرج را نمیگردیم ما  
مختصر عمل میکردیم نه اینکه تمام نهر  
راه بندیم و رعیت هم نداشته باشیم که عمل  
کنیم و این آب بیفتد توی صحرا صه  
باتلاق درست بکنند و تولید پشه مالاریا



مال او است آن قانون چه ضرر دارد آن قوانین اسلامی که مردم هم معتقد با هستند این را شما احترام برایش قائل بشوید کار درست میشود این گرانی اراضی برای همان احتکار اراضی است بکشت دولت احتکار کرده یک مشت هم بنده و آقا احتکار کرده ایم زمین آزاد دیگر توی این مملکت باقی نمانده است کجا بروند آباد بکنند یک کسی می آید استناد میکند که این زمینی است که ما گوسفند و گاو در دوره خیرالشر در آن می چرانیم حالا که مادوره شمر شدیم در دوره با آدم در آن دوره اینطور معمول بوده است حالا رفته اند آنرا علامت تصرف قرار داده اند سند مالکیت گرفته اند از این کوه بان کوه اگر کسی خواسته بود آبادی درست کند و یک لانه و آشیانه ای برای خودش درست کند این زمین را بقیمت عادلانه بخواهند بهش نفروشد والا چند کیلومتر در سال هزار تومان حق المربع میدهد این را اگر تقسیم کنیم عایدات را تومانی یک تومان هم بفروشند هر متری نیمشاهی منتهی پنج شاهی میشد و این میخواهد متری ۵ تومان بفروشد خوب زمین را کده مانده است آبادی و زندگی را هم فلج کرده است.

مال گرازد دولت شروع بکنیم این کار را که اراضی با اثره موات را مباح کنیم که هر کس تا هر حدی که آباد میکند باو حق مالکیت بدهد نه با این شرطی که دولت در نظر گرفته که بیاید بتجیل آب کند و فلان این را من موافق نیستم این ماده یک تبصره ای دارد اینجا که آقایان خراسانیها بهتر متوجه هستند و آن تبصره ۲ است و آن این است که مزارع سنگسر و قوش عظیم و صحرای داودی به قیمت عادلانه ارزیابی و باستان قدس رضوی بفروش خواهد رسید دستگاه آستان قدس رضوی برادر همان خالصه خودمان است آبادی املاک آن بسته بآن متولی است که حلقه دارد بانداد خدا رحمتش کند مرحوم اسدی که کشتند آن بیچاره را برای اینکه آباد کرده بود آنجا اجاره آباد کردن آنجا بود که او را کشتند او در آنجا قانونی ایجاد کرد آبادی کرد و کارهایی کرد مأمورین که میروند آنجا بعنوان نایب التولیه هیچ کمکی بمرمان نمیشود بتخریب چرا که میشود من یک موقع بنظر می آید که به آقای بدر که تولیت آستان را ایشان داده بودند من ایشان عرض کردم ما در خراسان دونا حیه داریم که وصل برسوا است یکی سرخس است و یکی هم قسمت لطف آباد و محمد آباد و نوخندان و آن حدودی است که وصل برسوا است هر دو هم جزو خالصات دولت شده یعنی جزو آستانه شده بیشتر خالصه دولت بود از این نهر سرخس آب دو تقسیم میشود یک قسمت میرود توی زمینهای ما و یک قسمت میرود توی زمینهای روسیه اوایل انقلاب روسیه خوب بود روسها چندان نپرداخته بودند بمرمان و آبادی

و گرفتار بدبختی های داخله خودشان بودند رعایای ما آبی و زراعتی داشتند اخیراً که یک نظاماتی در کشور ایجاد جاهیر شوروی پیدا شد و در مقام آبادی مملکت برآمدند آنجا جاههایی زده شد چون آب آب بهاره است یا نیز که میشود آب نیست علف خیلی زیاد است مرتع آنجا بسیار عالی است که این پوست های قره گلی که هست هشتاد در صدش مال سرخس است من در آنجا بی اطلاع نیستم آنجا یا نیز که میشود باید از چاه آب بکشند و بکنده شان از چاه آب بدهند در صورتیکه در آن طرف رودخانه که دهاتیهای مانگه میکنند میبینند چاههای بادی هست چون آنجا آباد هست یک موتور های بادی روسها آورده اند نصب کرده اند یک قسمت از آن زمین یعنی در آن قسمتی که مال روسها است خرم و آباد است و رعایا دارای زندگی مرفه هستند این بدبخت هائیکه اینجا در اینطرف هستند خیلی مردمان با ایمانی هستند که برای مرزوسرحدات ایران همیشه دارند مقاومت میکنند و الا از نظر آبادی وضعیت مادی اینها خوب نیست آستانه حضرت رضا که تولیتش را اعلی حضرت دارند یک اشخاصی را از نظر مرحمتی که دارند میفرستند آنجا و اینها این کاره نیستند اینها اهل زراعت نیستند آن علاقندی که باید برای آبادی خراسان داشته باشند ندارند چهار روزی هستند و بعد میروند حالا این مزارع را هم میخواهند ضمیمه کنند از این خالصه بآن خالصه اینجا خالصه است که دست دولت است آنجا خالصه است که دست آستانه است در قسمت فروش هم اشکال پیدا میکند وقتیکه واگذار کردند کسی دیگر نمیتواند نقل و انتقال کند و آبادش کند میماند توی یک چاه و بلی ۰ من یک چیزی بنظرم رسیده بود و با آقای بدر گفتم چون این املاک موقوفه است نمیشود کاری بکنید ولی میشود حق اعیانی برای رعایا قائل بشوید شما این اراضی را که دارید اجازه بدهید که هر کس رفت در این اراضی قنات بزاند ده بیست تا آبادی مزرعه ای احداث کرد آبادی احداث کرد این اعیانی مال او باشد و آن جزو جمعی را که سابق می برداخته همان را بپردازد و ضمناً در سال حق العمران حق المربع ده بیست هزار تومان بآستانه میرسد اگر این راده بیست رشته قنات بزاند ده بیست تا آبادی بشود . . .

**نایب رئیس** - جناب آقای حائری زاده در اطراف این ماده صحبت میفرمائید؟

**حائری زاده** - بله در اطراف تبصره ۲ این ماده است که میگوید این را بدهند بآستانه در اطراف آن صحبت می کنیم این تبصره ۲ را مگر توجه فرمودید

**نایب رئیس** - باید بفرمائید بدهند یا نه

**حائری زاده** - می گویم نباید بدهند

**نایب رئیس** - خوب بفرمائید بدهند یا نه

**حائری زاده** - استدلال من برای این است پس مجلس برای چیست؟ نمیشود بگویند ما پانه مجلس برای این است که بیابند استدلال بکنند که دیگران توجه بکنند معایب کار را ولی اگر حائری زاده نباید حرف بزاند آن موضوع دیگری است ولی بنده تا زبان داشته باشم حرفم را میزنم

**نایب رئیس** - بفرمائید ولی در موضوع

**حائری زاده** - در آن قسمت من عقیده ام این بود در املاک خالصه هم همین عقیده را دارم با آقای بدر گفتم که شما بیابید اینجا حق اعیانی قائل بشوید برای کسانی که در این املاک می آیند آبادی میکنند باین معنی که فلان مرتعی که شما دارید فلان قدر کیلومتر مربع است تعیین کنید که از هر کیلومتر مربعش چه قدر حق المربع شما میگیرید میشود هزار تومان دو هزار تومان مردم اجازه بدهید بروند تبدیل با حسن کنند آبادی آنجا بکنند بجای عاف مرزهای که فقط گوسفند میخورد آنجا برود زرد آلو بکار برود زیتون بکار برود پنبه بکار برود یک زراعت هائی بکنند آبش را هم خودش ایجاد کند قنات احداث کند که مملکت آباد بشود مردم اگر خودشان ذی نفع در آبادی مملکت نباشند علاقند نمیشوند مگر خراسان بگل نشسته که بروند آنجا آباد کنند باید ذی نفع بشوند همان طور که در ممالک دیگر کار را بدست خود مردم داده اند ما هم باید در موقع قانونگذاری توجه کنیم که کار بدست خود مردم انجام بشود دولت باید حافظ عدالت و امنیت باشد نگذارد که افراد نسبت به حقوق هم تجاوز کنند و امنیت را بهم بزاند برای بدست آوردن منافع نامشروع این است که من با این لایحه باین جهت نظر موافق ندارم چون بیشتر اطلاعاتی ندارم و مطالعه نکرده بودم خیال میکردم که آقای نقابت اطلاعات بیشتری دارند در کار خوزستان و ایشان بهتر میتوانند توضیح بدهند و بنده خیال حرف زدن نداختم ولی چون ایشان تشریف نداختم بنده مختصر اطلاعی که داشتم خواستم بمرض آقایان برسانم

**نایب رئیس** - آقای دکتر شاهکار

**دکتر شاهکار** - بنده چون ایمان دارم که یکی از مترقی ترین قانون هائی که تا کنون بمجلس شورای ملی تقدیم شده این قانون فروش خالصجات است از نظر سرعت عمل سعی میکنم آنچه ممکن است کمتر عرض کنم و چون میدانم که اغلب آقایان اکثریت مجلس شورای ملی با این قانون موافق هستند بنابراین وظیفه موافق اینکار خیلی آسان است و احتیاج به بحث زیادی در اطرافش نیست کلماتی که جناب آقای حائری زاده فرمودند راجع به طرز

اجرای قانون اراضی صحیح است از این نظر ولی این ماده اول مربوط باصل عمل فروش است در این ماده که بنده اسم نویسی کرده ام و توضیح زیادی نخواهم داشت مواد دیگر مربوط بطرز اجراء است دو تبصره ای بنده پیشنهاد کرده ام که رفع اشکال جناب آقایان خواهد کرد در این ماده ۱ نوشته شده که فروخته میشود طبق مقررات این قانون تمام سعی دولت در این باید باشد که کشاورزان و زمین بزمین و بکشاورزی خودشان وابسته بشوند علاقند باشند بمانند در محل و هجوم بطرف پایتخت و مرکز نشود گرفتاری ما این است و این مطلب در ماده دوم و در ماده سوم و در ماده پنجم تأمین شده است یکی از ایراداتی که فرمودند و ایراد بجائی بود فرمودند که از دست دولت میگیریم که مالک و کشاورز خوبی نیست میدهیم بدست یک کده محسوس و حال اینکه در این ماده نوشته شده مطابق مقررات این قانون بفروش آن اقدام نمایند در ماده ۲ نوشته است میان کشاورزانی که در محل شخصاً و مستقیماً با مرفلاحت اشتغال دارند بدون رعایت تشریفات مزایده بآنها واگذار بشود عین این مطلب در تبصره ۲ ماده ۲ رعایت شده که اراضی اطراف شهرها را بدون رعایت تشریفات مزایده به کارمندان مقیم همان شهرستان بدهند (دکتر کبیر کبیر - بر کزندهند باستانی تهران) باستانی طهران جناب آقای حائری زاده ما یک خاطره ای داریم از واگذاری اراضی خوزستان و چون من هیچگونه اطلاعی ندارم صلاحیت ندارم عرض نمیکنم (بختیار - بنده خیلی میترسم) عرض میکنم که اراضی موات یا مباح را باید بدهند دست کسی که واقعا آنجا را آباد بکنند دایر بکنند ما گفتیم قانون میباید تا آن مقداری که کردند بسیار خوب اگر نکردند دیگر چرا نگاهش داریم حالا این تصور است و این نظر آقا هم در این قانون تأمین شده که زمین را بدهند دست زارعین و همان کشاورزان مقیم در شهرستانها هم بدهند بکارمندان مقیم همان شهرستان ها تا سبب بشود که این تمرکز جمعیت در مرکز از شهر تهران که در ظرف ده سال یکدفعه چهارصد هزار نفر جمعیتش اضافه شد از بین برود و جمعیتش بی تناسب اضافه نشود و همانطوری که در مقدمه عرض کردم نقش موافقت با این لایحه خیلی آسان است و فکر میکنم که ایرادی که آقا فرمودند رفع اشکال آن در خود آن قانون شده است در خود ماده ۱ اجازه فروش داده امانحوه فروش در ماده ۲ و ۳ و غیره ذکر شده البته یکی دو تا نقص هم هست که در موقع پیشنهادات پیشنهاد داده خواهد شد و امیدوارم که مجلس شورای ملی این قدم بزرگ را هم بردارد که این قانون مثل سایر قوانین مفید دیگری که در این مجلس گذشت این